

یادداشتی بر چند نکته در شعر حافظ

در نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه مقاله‌ای نوشته شده است با عنوان «چند نکته در شعر حافظ» (صفحات ۸۸ تا ۹۵، شماره ۴۶، ۴۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۰). این مقاله چهار بخش گسسته از هم دارد که هر چهار بخش به بررسی موضوعاتی جداگانه از دیوان خواجه مربوط می‌شود.

نویسنده مقاله در اثبات نظر خود کوششی فراوان کرده است و جای تقدیر است ولیکن اصل موضوع هر چهار بخش جای حرف دارد و اندیشیدنی است.

۱- نگاهی به فعل دعایی «باد»

نکته‌نویس بیتی را مطرح می‌کند که در هشت نسخه خطی از نسخ معتبر مضبوط در دیوان حافظ خانلری - روانش شاد - به صورت زیر آمده است:

وند سر من خیال عشقت

هر روز که هست در فزون باد

و ایشان نوشته‌اند:

[این ضبط (=هست) مطابق هشت نسخه از نه نسخه‌ای که این غزل را داشته است و شادروان خانلری از آنها استفاده کرده‌اند و تنها یک نسخه (=نسخه ل) مصراع دوم را به صورت «هر روز که باد...» ضبط نموده است. دانستم که باید نکته‌ای در کار باشد و آن، این که فعل دعایی «باد» در معنای «غیردعایی» (بُود = هست) به کار رفته و کاتبان که گویا - از این نکته غافل بوده‌اند - به جای «باد»، «هست» قرار داده و کار را آسان کرده‌اند، اما شواهد نشان می‌دهد که کاربرد این صیغه در معنای «غیردعایی» بی‌سابقه نیست، اکنون آن شواهد را به خوانندگان ارجمند فرا می‌نمایم:

.. بی‌تو از خواسته «مبادم» و گنج

همچنین زاروار با تو رواست

(شهید بلخی)

یعنی بدون تو اگر مرا خواسته و گنج نیست، به همین وضع

زاروار که با تو هستم خوب است.

گر خوار شدم پیش بت خویش روا باد

اندی که بر مهتر خود خوار نیم خوار

(عماره مروزی)

پیدا است که در مصراع اول، «روا باد» یعنی «رواست...»

و ایشان شش ستون از دو صفحه نشریه را به ابیاتی از سخنوران

نظم و نثر فارسی اختصاص داده‌اند که همه شرطی و التزامی است و

در بسیاری از موارد نیز همه دعایی است.

همین بند اول از مقاله بررسی می‌شود.

چگونه است که هشت تن از کاتبان دیوان حافظ - در عصر خود

حافظ (در سی سال بعد از فوت خواجه) - همه از آن نکته غافل

بوده‌اند و تنها نسخه گمان‌انگیز خلخالی و به تبع او علامه فقید

قزوینی - غنی آن را درست نوشته است؟ آیا سندی در دست داریم که

نسخه خلخالی به خط خود حافظ بوده و یا با دقت از روی آن

نسخه‌ای نوشته شده است که خود حافظ به دست خود قلم زده

است؟ و آیا وقتی که یک نسخه به تنهایی در برابر هشت نسخه قرار

می‌گیرد و می‌بینیم که آن هشت نسخه صحیح است و این یک نسخه

غلط و بی‌معنی است، هیچ فکر نمی‌کنیم که کاتب این نسخه دستش لغزیده و سهو کرده است؟ و آیا ضرورت دارد همه ابیاتی را که افعال شرطی و دعایی و یا ابیاتی که حامل معنی خواهش و آرزوست به معنی «هست» یعنی وجه اخباری بگیریم تا بتوانیم بگوییم «باد غلط» درست است و «هست درست» غلط است؟!

ای کاش نکته‌نویس زحمتی کشیده به مقدمه غزلیات حافظ (چاپ انتشارات نگاه، ۱۳۷۹ ش) توجه می‌فرمودند که از ۹۴ صفحه پیش گفتار آن بیست و هشت صفحه (۷۸ تا ۱۰۶) به رد نسخه گمان‌انگیز خلخالی اختصاص دارد و در صفحه ۹۹ سطر ۱۳ نیز همین بیت در فهرست ابیاتی قرار گرفته است که کاتب نسخه خلخالی از خود نوشته و یا به سهو مانند سیصد و چند بیت دیگر در برابر مجموعه‌ای از نسخ معتبر اقدم قرار گرفته است. البته اغلاط و گشگیهای حافظ قزوینی - غنی که مردود شناخته می‌شود از هزار بیت بیشتر باید باشد و برای اثبات قضیه لازم می‌آید که آن ۲۸ صفحه در اینجا نقل شود، لیکن جای آن نیست.

و اما اثبات فعل التزامی «باد» به معنی «هست» نیاز به اندیشه و تأملی بیشتر دارد تا بدانیم آیا واقعاً می‌شود جواب شرط را به معنی وجه اخباری گرفته بنویسیم:

اگر خوار شدم پیش بت خویش روا باد پیدا است که در مصراع اول، «روا باد» یعنی رواست... و یا فعل دعایی را به معنی «هست» تأویل و تعبیر کرده بنویسیم:

در جهان ملک استوار تو را

قوت از دین استوار تو باد

راستی شاعر ناتوان بوده است به جای «باد» در ردیف این

قصیده «هست» بیاورد؟ قطعاً جای تأمل و تجدید نظر هست.

۲- در بخش دوم با عنوان «موسیقی فراموش شده در کلام»، تلفظ صحیح کلمات «خود، خور و خوش» را مطرح کرده، همه ابیات مربوط به واژه «خود» را - تا جایی که توانسته‌اند - آورده‌اند.

این موضوع به حافظ ربطی ندارد و در همه آثار قدما «خود» یا «بد» در قافیه قرار می‌گیرد و اگر نوشته‌اند در غرب کشور ایران (یعنی کردستان) هنوز این لهجه باقی مانده است، گفتنی است که در شرق کشور یعنی افغانستان نیز این تلفظ زنده و پابرجای است و ردیف کردن ابیات در دو ستون از نشریه، به خاطر «خود» و وجود زیر (فتح) در کلمه‌های دیگر، در یک جمله گفتنی بود و نیازی به ذکر آن همه نبود، البته سعی این گردآوری جای سپاس دارد، نه در این جا و مکان، بلکه در مقاله و کتابی مفصل.

۳- «در» طریقت مهر

ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر

سپیده دم که هوا چاک زد شمار سپاه

نکته‌نویس با زحمتی فراوان، نظر نویسندگان و شارحان دیوان

حافظ را ذکر کرده و سپس در مقام رد آن همه برآمده است تا اثبات

کند که «در» در این بیت به معنی «را» به کار رفته است و خود هیچ

توجه نکرده‌اند که «طریقت» یعنی «راه» و «طریقت مهر» یعنی «راه

محبت»، اینها «راه خورشید» و «در» معنی درون و ظرفیت دارد نه

سحرگاهان ایشان را بیدار بکنیم تا به کار عبادت و ذکر مشغول بشوند. [شرح غزلیات، ص ۳۲۰۳]

در مقدمه شرح گفته شده است که این تعبیّرات اساس مکتب حافظ و به قرینه مجموعه غزلیات خود حافظ و سخنان بی گمان وی نوشته شده است و در صفحه ۵۱ پیش گفتار آمده است: «... و از ذکر این مطالب شارح به خود می لرزد که هنوز شرح یکصد غزل تمام نشده خود به گفتن «چنین شد و چنان شد» دل خوش می دارد. در حالی که جز به رحمت و کرم خداوند آفریدگار پشت گرمی و دلگرمی ندارد و...».

با این همه ما هیچ نمی دانیم از این سخنان که ما می گوئیم و می شنویم خواجه شیراز آگاهی داشته است یا نه؟ و اما این را می دانیم که وی آنچه دلش گفته بگو گفته است و در قید و بند این سخنان نبوده است.

سخن خود را با نقل حکایتی از الهی نامه عطار نیشابوری (ص ۱۶۷/نسخه ریتز) پایان می بخشیم که در کتاب طنز و رمز در الهی نامه به نثر چنین آمده است.

[۱۹] چنان باد و چنان باد

آن داننده دین یعنی فقیه اهل زمین دعا می کرد و خلق جهانی گرد آمده بودند و می گفتند: آمین، آمین.

دیوانه ای از آنجا می گذشت گفت: این آمین شما چیست؟ شما چه می گوئید من معنی آن نمی دانم.

گفتند: امام خواجه هر چه از خدا می خواهد ما می گوئیم آمین یعنی چنان باد و چنان باد و چنان باد و چنان باد.

گفت: هرگز آن چنان و این چنین که امام خواجه خواهد، نمی شود بلکه بی کم و بیش آن چنان و آن چنان می شود که حق تعالی خود خواهد، این سخنان شما از پیش خویش می گوید و می خواهید.

... که نبود آن چنان و این چنین هیچ

کامام خواجه خواهد، چند از این بیج ولیکن جز چنان نبود کم و بیش

که حق خواهد، چه می خواهید از خویش؟
و این چنین است داوری و اجتهاد ما درباره حافظ و دیگران که هیچ معلوم نیست حقیقت امر چیست و اما آنچه مسلم است «باد» به معنی «هست» نیست.

پانوشتها:

۱. چگونگی تصحیح ابیات در کتاب غزلیات حافظ، چاپ انتشارات نگاه به تصحیح بهروز ثروتیان ذکر گردیده و در این تصحیح استدلالی علل گزینش کلمات در تعلیقات مربوط به غزلیها ذکر شده است.

۲. طنز و رمز در الهی نامه، بهروز ثروتیان، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸، صفحات ۱۷۰، ۱۷۱.

معنی «را» نشانه مفعول صریح. این اثبات ایشان بدان می ماند که بگوئیم:

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم...

یعنی: مرا منزل جانان را. یا: «در خرابات مغان نور خدا می بینم» یعنی خرابات مغان را نور خدا می بینم؟! با صمیمیت می توان از ایشان تقاضا کرد که به شرح این بیت در جلد چهارم شرح غزلیات حافظ (انتشارات پویندگان دانشگاه ۱۳۸۰) عنایتی بکنند.

بار دیگر گفتنی است که این غزل جای بحث دارد و اگر چه در هشت نسخه دستنویس عصر خواجه ضبط شده است معلوم نیست از کدام حافظ است؟ جعفرالحافظ یا حافظ حسن از کاتبان دیوان خواجه حافظ! یا حافظی دیگر از حافظان عصر لسان الغیب شیراز!

۴- چنگ، صبحی (تاملی در «یاء توفیق»)

تا همه خلوتیان جام صبحی گیرند

چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم
نکته نویسی با دقت و زحمتی درخور تحسین از مأخذ مختلف - مخصوصاً گلستان - شواهدی فراهم آورده اند تا بگویند: ل... «چنگ صبحی» اساساً ترکیب نیست که در متون موسیقی یا غیرموسیقی، معتبر باشد یا نباشد. به عبارت دیگر: «چنگ» را باید «به سکون» خوانند نه این که آن را به «صبحی» اضافه کرد و... [

رامتی اگر «چنگ» را به سکون بخوانیم وزن «فاعلاتن» چه می شود که حرف «عین» متحرک است و غزل در بحر رمل سروده شده است؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن، فعلا ن و شعر حافظ موسیقی دلنوازی دارد. نه تنها نمی توانیم «چنگ» را به سکون بخوانیم که وزن - و مخصوصاً معنی بیت را - پریشان می سازد بلکه حرف «ت» از مناجات راهم حرکتی ملیح می دهیم تا زحاف «فعالان» راست آید، به صورت زیر:

چنگ صبحی = فاعلاتن / به در پی = فعلاتن / مناجا = فعلاتن / ت بریم = فعلا ن.

برای این که سخن در رد و اثبات به درازا نکشد، درباره این غزل و شرح آن رجوع کنید به صفحات ۲۲۰۵ و ۲۲۰۴ و ۲۲۰۳، جلد چهارم شرح غزلیات حافظ (پویندگان دانشگاه ۱۳۸۰).

ابیات این غزل همانند همه غزلهای بی گمان حافظ، به هم دوخته شده و موقوف المعنی است، ترجمه ساده و شرح دو بیت نخستین عیناً نقل می شود و امید است کارافزا نباشد و در دسر نیآورد:

ترجمه ساده ابیات

ابیت ۱. برخی تا این خرقه آلوده پشمین را به خرابات و میخانه ببریم که شایسته آنجاست و این جامه کهنه و این همه طامات و دم زدن از کرامات را به بازار خرافات ببریم که همه دروغ و خرافه است، یعنی خرقه را دور بیندازیم که آلوده است و دم از کرامات نزنیم و طامات نگوییم که همه خرافات است. (برخی به خانقاه برویم و با اخلاص رفتار بکنیم).

بیت ۲. چنگ صبحگاهی را به در پیر مناجات ببریم و در آنجا بنوازیم تا همه خلوتیان برخیزند و جام صبحی بگیرند و می بنوشند. یعنی: همه خلوتیان به خواب رفته اند، برخی تا هنگام